



# عصر

روزنامه تجاری اقتصادی  
دوشنبه  
۱۴ آبان ۱۴۰۳ • ۲ جمادی الاولی ۱۴۴۶ • 4 November 2024  
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و پنجاه و هشت  
www.asrghanoon.ir

# اداره کلی گوشت

## رئیس اتحادیه دام سبک کشور: افرادی که بازار گوشت را اداره می‌کنند، خودشان قیمت را بالا می‌برند تا واردات گوشت را توجیه کنند و از این تجارت بهره‌برند

پیمان پاک، قائم مقام وقت وزارت کشاورزی گفته امسال ۱۴۰ هزار تن گوشت وارد کشور شده که نسبت به سال گذشته ۴۰ هزار تن بیشتر شده. رئیس شورای تامین کنندگان دام هم گفته ۵ میلیون راس دام سبک قابل کشتار و آماده عرضه در بازار است. با میانگین هر دام ۲۰ کیلو لاشه ۱۰۰ هزار تن می‌شود که نیاز وارداتی کشور در بدبینانه‌ترین حالت است. گزارش میدانی از بازار تهران حاکی است که قیمت دام زنده سبک در تهران بین ۲۸۰ تا ۳۱۰ هزار تومان و گوساله بین ۱۸۰ تا ۱۹۰ هزار تومان است که براساس فرمول قدیمی «قیمت گوشت دو برابر دام زنده» نباید قیمت گوشت کوسفندی از ۶۲۰ هزار تومان و گوساله از ۲۸۰ هزار تومان بیشتر باشد. تفاوت نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و واردات گوشت با نرخ آزاد بازار (۷۰ هزار تومان) واردات را سودآور کرده و پیمان تراشی به واردات گوشت و حتی حوزه‌های دیگر مانند پرورش بیشتر می‌شود.



### بخت‌گرایی در برابر روایت فتح



در نگاه «پاک و خطابوش» باخت‌گراها، آمریکایی‌ها هر چه بکنند، حتی حمله نظامی به کشورهای همسایه‌ی ما و اشغال سرزمین‌های اطراف ما و کشتن و آواره کردن میلیون انسان بی‌گناه و تقویت و تجهیز هیولای داعش، هیچ نیتی جز حفظ «صلح و ثبات جهانی» ندارند.

### ملت ایران و استکبارستیزی



پرچم استکبارستیزی به صورت رسمی، ده‌ها سال است که در دستان ملت ایران و نظام ولایتی‌اش می‌باشد. به راستی، چرا استکبارستیزی یک ارزش، یک افتخار و یک فضیلت به‌شمار می‌آید.

### استکبارستیزی جزء هویت انقلاب اسلامی است



جوامعی که انقلاب خود را با شعار مبارزه با استکبار آغاز ولی در گذر زمان بر اثر فشارهای اقتصادی و یا رفاه‌زدگی از این شعار عقب نشینی کرده و یا دچار اشتباه محاسباتی در شناخت نقشه دشمن شدند عاقبت در دام استکبار افتاده و با شکست مواجه شدند.

### اضلاع سه‌گانه واگرایی‌های دهه هفتاد:



آنچه که امروز از آفات و ابتلائات مشاهده می‌کنیم، چنین ریشه‌های تاریخی و عینی عمیقی دارند. کشف حجاب، یکی از این فروع مترتب بر این گذشته‌سیاستی است.

### «وحدت» رمز موفقیت



البته با توجه به هزینه‌هایی که از سوی غرب و آمریکا صورت گرفته، خوش‌خیالی است که تصور کنیم به این راحتی از کردورها و عادی‌سازی صرف نظر کنند؛ غرب با تمام قوا مشغول احیای این موارد است.

### ایجاد نهضت فرهنگی-جهانی مقاومت



دنیا امروز آماده‌تر است تا واقعیت‌های این جریان را بشنود و با ظلم و بی‌عدالتی‌ای که بر مردم فلسطین و لبنان می‌رود، آشنا شود. مردم نسبت به سال گذشته آگاه‌تر شده‌اند.



## باخت‌گرایی در برابر روایت فتح

شهاب اسفندیاری



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تقریب بر کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» ضمن تجلیل از گزارشی متفن و پرفایده این کتاب از حادثه‌ی مهم تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سال ۵۸، نبود چنین روایت‌هایی را یکی از خلاهای رسانه‌ی و تبلیغاتی ما دانسته و میگوید که «ما به جنگ روایتها در بیکارهای جهانی توجه لازم را نکرده‌ایم و دشمنان و بدخواهان ما از غفلت ما بهره برده و بسیاری از حوادث را وارونه نشان داده‌اند.»

موضوع جنگ روایتها در عرصه تولید روایت‌های تاریخی یکی از موضوعاتی است که مورد تأکید رهبری بوده است و ما در این عرصه دچار خلأ هستیم. علت این خلأ چیست؟ چرا دچار غفلت شدیم و دشمن توانست بسیاری از حوادث را وارونه جلوه دهد؟

البته این که رهبر فرزانه‌ی انقلاب از ضمیر «ما» و فعل دوم شخص جمع در این جملات استفاده می‌کنند از سر بزرگواری و تواضع است. و الا کیست که نداند ایشان در این موضوع نه تنها هرگز غفلتی نداشتند بلکه از هشیارترین نخبگان جامعه‌ی ما بودند و زمانی نخستین هشدارها در موضوع جنگ روایتها را با کلیدواژه‌ی «تهاجم فرهنگی» مطرح فرمودند که بسیاری از مسئولین سطوح عالی هم در خواب غفلت «توسعه» بودند. برخی حتی در مقام انکار برآمدند که «خبری نیست» و «تفاتی نیافتاده» و همان «تبدیلات فرهنگی» که قرن‌ها وجود داشته ادامه دارد. عده‌ای پا فراتر نهادند و از «توهم توطئه» سخن گفتند و حتی مفهوم «دشمن» را زیر سؤال بردند و اساساً «استقلال» را در عصر جهانی شدن بی‌معنا دانستند. به نظر من عمده موفقیت دشمن از طریق میدان داخلی بود. حتی این شبکه‌های فارسی زبان وابسته که در دهه‌ی اخیر برپا شد هم خروجی و محصول آن فضای فرهنگی و رسانه‌ای غفلت‌زده داخلی است. اغلب عناصر و عوامل اصلی آن‌ها در زیست‌بوم آن فضای فرهنگی و سیاسی که در داخل شکل گرفت، پرورش یافتند و به خارج منتقل شدند. آن زیست‌بوم با درک نادرست از معادلات جهانی و فهم سطحی

از تاریخ و فرهنگ غرب و غفلت از منافع ملی و هویت فرهنگی، عناصر سیاسی و رسانه‌ای پرورش داد که حتی خدمت ذیل ارتش بیگانه و حمایت از حمله‌ی دشمن خارجی به کشور و نسل‌کشی ده‌ها هزار نفر در غزه هم برایش قبحی ندارد.

اگر قدری به عقب برگردیم می‌بینیم در روزگاری برخی دفاع از هویت ملی و فرهنگی در برابر شیخون دشمن را با جنگ «دن کیسوت» با آسیاب‌های بادی مقایسه کردند. ایستادگی در برابر سیطره‌ی محصولات فرهنگی بیگانه را «سیم خاردار کشیدن مقابل سیل» جلوه دادند. این کنش‌گری‌ها خواسته یا ناخواسته راه را برای «عادی‌سازی» و «طبیعی‌نمایی» عملیات فرهنگی و رسانه‌ای دشمن هموار کرد. متأسفانه عده‌ای از «نخبگان» سیاسی و فرهنگی ما در این مسیر چنان دچار خوش‌بینی و ساده‌لوحی نسبت به دشمن بودند که گاه خروجی نظر و عمل آنها در فضای فرهنگی داخل «بزرگ کردن چهره‌ی دشمن» بود. این چهره‌ها و جریان‌ها در برخی از ارکان حاکمیت و نیز در مطبوعات و فضای مجازی به شدت به ترویج «باخت‌گرایی» (Defeatism) دامن می‌زدند. باخت‌گرایی به یک وضعیت ذهنی و روانی و نیز سیاسی گفته می‌شود که افراد هرگونه تلاش و مبارزه و ایستادگی برای رسیدن به هدف را بیپه‌وده و شکست خورده پنداشته و بدون هر مقاومتی خواهان تسلیم هستند.

باخت‌گراها هر مشکلی که در جامعه و اقتصاد و فرهنگ باشد را صرفاً به «خود» نسبت می‌دهند و دامن «دیگری» (دشمن) را از هر بدی و زشتی و ظلم می‌زدایند. انگار هرآنچه در تاریخ میان ما و دشمن رخ داده تقصیر ما بوده و «هر چه آن خسرو کند نیکو بود». چنان تصویری از معادلات بین‌المللی ارائه می‌دهند که انگار ما هستیم که عنصر مزاحم در «ظلم بین‌الملل» هستیم. در ادبیات آنها اگر دقت کنید دائماً تکرار می‌کنند که «ما باید برویم مشکلاتمان با «جامعه‌ی بین‌الملل» را حل کنیم. انگار نه انگار که در تاریخ ما کودتای ۲۸ مردادی بوده، انگار نه انگار که سرزمین ما در جنگ‌های جهانی بدون هیچ دلیلی اشغال شده، انگار نه انگار که از رژیم سفاک و منحوس پهلوی نیم قرن حمایت بی‌قید و شرط شده. ولی ما متهم هستیم که انقلاب کردیم و «ظلم جهانی» - یعنی سلطه‌ی چند قدرت زورگو بر منافع کشورها از جمله کشور خودمان - را با اخلال مواجه کردیم. ما متهم هستیم که با تسخیر لانه‌ی جاسوسی مناسبات و روابط دیپلماتیک با آمریکا را بر هم زدیم و اسباب زحمت برای خودمان فراهم کردیم. گمان می‌کنند اگر اجازه می‌دادیم آمریکایی‌ها نیروی انسانی و لوازم و امکانات یک کودتای دیگر را در تهران حفظ می‌کردند بیشتر در راستای منافع ملی ما بود.

در نگاه «پاک و خطاپوش» باخت‌گراها، آمریکایی‌ها هرچه بکنند، حتی حمله‌ی نظامی به کشورهای همسایه‌ی ما و اشغال سرزمین‌های اطراف ما و کشتن و آواره‌کردن میلیون انسان



## شهادت این عزیزان به دلیل دفاع از کشور و ملت در مقابله مستقیم با رژیم صهیونیستی شهادت برجسته و مهمی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر دیروز در دیدار خانواده‌های شهدای نیروی پدافند هوایی ارتش که در شرارت اخیر رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند، مقام این شهدا را عالی دانستند و گفتند: همه شهدا در جایگاه ممتاز و در جوار پروردگار از نعمت الهی برخوردار هستند اما شهادت این عزیزان به دلیل دفاع از کشور و ملت در مقابله مستقیم با رژیم صهیونیستی که خبیث‌ترین دشمن اسلام است، شهادت برجسته و مهمی است.

رهبر انقلاب همچنین برای خانواده‌های این شهدا صبر و آرامش دل‌مسئلت کردند و افزودند: اجر خانواده‌های شهدا از شهدا کمتر نیست.

در این دیدار خانواده‌های شهیدان حمزه جهانپنده، محمد مهدی شاهرخی‌فر، مهدی تقوی و سجاد منصوری حضور داشتند. این شهیدان از کارکنان نیروی پدافند هوایی ارتش بودند که بامداد شنبه ۵ آبان در راستای دفاع از حریم امنیت ایران، حین عملیات مقابله با پرتابه‌های رژیم جنایتکار صهیونی به مقام والای شهادت نائل شدند.

۱۳/۸/۱۴۰۳

## خطای محاسباتی دشمنان در شناخت ملت ایران

«با کجا مقایسه می‌کنید ایران را!» این عبارت را رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۵ سال پیش در خطبه نماز جمعه تهران و در جریان فتنه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، خطاب به دشمنانی مطرح کردند که قصد داشتند با سوءاستفاده از فضای حاکم، کشور را به سمت بحران پیش ببرند

خطای محاسباتی دشمنان در این سال، در سال‌های بعدی نیز تکرار شد و هم‌اکنون نیز جبهه کفر با جلوداری صهیونیسم، با تمام قدرت می‌کوشد تمامیت‌راضی کشورمان را پایمال کند. تلاشی که با وحدت مردم و اطمینان جامعه به حاکمیت سیاسی، پیشاپیش راهی جز شکست نخواهد داشت.

دشمنان انقلاب هیچ تصویری بر واقعیت از وفاداری مردم به نظام و حاکمیت اسلام ندارند و تصویری که می‌توانند با عملیات روانی حول برخی مضایقات از جمله در حوزه اقتصادی، یا موج‌سواری روی برخی چالش‌های فرهنگی، صف مردم را از حاکمیت جدا کنند. عدم شناخت دشمنان از سویه‌های فکری و معرفتی مردم ایران، آنها را به دفعات به سرمایه‌گذاری‌های بیپه‌وده برای امر براندازی سوق داده است.

این سرمایه‌گذاری‌ها البته برای آنهایی که براندازی را به‌مثابه شغل و حرفه خود می‌بینند، تاکنون بسیار مناسب و سودآور بوده است. مشخص است که دشمنان با عدم درک روحیات مردم ایران، همواره چه در سطح راهبرد و چه در سطح روش و تاکتیک، بدترین مسیرها را انتخاب کرده‌اند و اکنون و درمیانه بحران منطقه، این بیراهه برای آنها به شکلی دیگر تکرار شده است. دشمنان می‌کوشند با تولید تحلیل‌ها و اخبار فیک و ضرب‌زدان به مشکلات در فضای مجازی، مردم را از آینده‌ناامید و در نتیجه، وحدت درونی در حمایت از امر مقاومت را با شکست مواجه کنند.

پادزهر این سیاست استعماری، حفظ هوشیاری و وحدت ملی حول «مقوله جهاد» در همه ابواب آن است. در همین باره، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۹ بهمن سال ۱۴۰۰، در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، با اشاره به تأثیر جهاد بر شکست دشمنان، فرمودند: «اگر شما در میدان جهاد - هر جهادی؛ در هر دوره‌ای یک جور جهاد لازم است؛ جهاد نظامی داریم، جهاد علمی داریم، جهاد تحقیقاتی داریم؛ همه‌جور جهادی - حضور داشته باشید و فعال باشید، دشمن را شکست خواهید داد؛ چرا؟ چون خدای متعال این جور قرار داده که محاسبات دشمن غلط از آب درمی‌آید، درست نمی‌تواند محاسبه کند.»

## ملت ایران و استکبارستیزی

یدالله جوانی

در تقویم جمهوری اسلامی روز ۱۳ آبان ماه، با عنوان «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی»، به ثبت رسیده است. بدون تردید این روز و این عنوان، یکی از بزرگترین افتخارات و فضیلت‌ها برای ایرانیان تا ابد خواهد بود. شناخته شدن یک ملت در جهان با ویژگی استکبارستیزی، تا جایی که روزی را به دلایل زخدهای تاریخی مرتبط در تقویم خود، با چنین عنوانی به ثبت برساند، افتخاری با ارزش ذاتی برای آن ملت به شمار می‌آید. پرچم استکبارستیزی به صورت رسمی، ده‌ها سال است که در دستان ملت ایران و نظام ولایتی‌اش می‌باشد. به راستی، چرا استکبارستیزی یک ارزش، یک افتخار و یک فضیلت به شمار می‌آید و چرا روز سیزده آبان ماه با چنین عنوانی نام‌گذاری شده است. هر کس مفهوم استکبار را به درستی بفهمد، آن گاه ارزش ذاتی ستیز و مبارزه با استکبار را هم به درستی خواهد فهمید، و با تمام وجود اگر فطرت انسانی‌اش سالم مانده باشد؛ بر اساس عقلانیت و ارزش‌های اخلاقی، می‌گوید: «ای کاش من هم یک استکبارستیز به معنای واقعی کلمه باشم.»

استکبار یعنی خودبینی و خود برتر پنداری و تلاش همه‌جانبه برای اینکه، این برتری بر دیگران اعمال گردد. مستکبر یعنی کسی که با استفاده از قدرت و هر ابزار ممکن در اختیار، می‌خواهد بر دیگری سلطه داشته باشد. مستکبر برای رسیدن به خواسته‌های خود، به هیچ یک از ارزش‌های اخلاقی و انسانی پایبندی ندارد. قلدری، زورگویی، چپاول و غارت، جنایت، ظلم و کشتار، خلق و خوی مستکبر است. امروز آمریکا، سرکرده مستکبران عالم است و به درستی می‌توان از این کشور، با عنوان «استکبار جهانی»، یاد کرد.

شعار مرگ بر آمریکا، یعنی مرگ بر مستکبران، مرگ بر ظالمین، مرگ بر زورگویی و قلدری، مرگ بر جنایت‌پیشگانی

بی‌گناه و تقویت و تجهیز هیولای داعش، هیچ نیتی جز حفظ «صلح و ثبات جهانی» ندارند ولی ما اگر بخواهیم از حریم میهن خود دفاع کنیم و از گروه‌های بومی و ملی مقاومت در برابر اشغال و تجاوز و ترور حمایت کنیم، دنبال دردرس و بی‌ثباتی هستیم. اگر هشت سال در مذاکرات هسته‌ای مملکت را معطل آنها کنیم و به همه‌ی تعهدات خود عمل کنیم و آنها به هیچ تعهدی عمل نکنند و همه‌ی توافقات را زیر پا بگذارند، باز هم در نظر «باخت‌گراها» ما مقصریم که اجازه ندادیم شرکت‌های آمریکایی به ایران بیایند.

در جنگ اخیر غزه، بعد از حماسه‌ای که مقاومت در طوفان الاقصی آفرید و بر امنیت و اقتدار رژیم صهیونی ضربه‌ای ترمیم‌ناپذیر وارد کرد، و با وجود آنکه بسیاری از تحلیل‌گران غربی هم به قرار گرفتن رژیم صهیونی در «حلقه‌ی آتش» و در مسیر فروپاشی از درون اذعان داشتند، باخت‌گراها تصویری واژگون از میدان ارائه می‌کردند. عملیاتی مانند وعده‌ی صادق ۱ و ۲ - که بزرگترین حملات پهلپادی و موشکی تاریخ جنگ‌های جهان نام گرفته و طی آن لاقط دهها موشک بالستیک اهداف مورد نظر در عمق خاک یک قدرت اتمی مستظهر به پشتیبانی چند قدرت اتمی دیگر را از فاصله ۱۷۰۰ کیلومتری هدف قرار داده نادیده می‌گیرند و شرایط کشور را مشابه سال ۱۳۶۷ و قبل از قطعنامه ۵۹۸ جلوه می‌دهند. طعنه و کنایه می‌زنند که اگر چنین و چنان شده بود سیدحسن نصرالله و فرماندهان مقاومت شهید نمی‌شدند.

شبیه همان قاعدینی که پس از جنگ احد طعنه می‌زدند که اگر به حرف ما گوش داده بودید افرادی مانند حضرت حمزه سید الشهداء شهید نمی‌شدند: «الذین قالوا لاخوانهمم وقعدوا لؤ اطاغونا ما قتلوا» (آل عمران ۱۶۸). خداوند در پاسخ آنها می‌فرماید شما اگر توان و قابلیت دارید از مرگ کسی (با پیش‌بینی و پیش‌گویی) جلوگیری کنید از مرگ خودتان جلوگیری کنید! (قل فاذرؤوا عن أنفسکم الموت إن کنتم صادقین). و جالب اینجاست که در همین آیات گویی خداوند یک سنت الهی را آشکار می‌کند که گاهی شکست‌های مقطعی و ضربات و آسیب‌هایی که به جبهه‌ی اسلام وارد می‌شود، هر چند عامل اصلی‌اش ممکن است اختلاف، تفرقه و یا سرپیچی از فرمان پیامبر اکرم (ص) باشد، اما یک نتیجه هم برای جامعه‌ی اسلامی دارد و آن آگاه شدن مردم و شناخته شدن مؤمنان راستین است: «وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّيِّ الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ».

به نظر می‌رسد حوادث و وقایع اخیر زمینه را برای آگاهی بیشتر مردم فراهم کرده است. هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح داخلی شاهد تغییر برخی نگرش‌ها هستیم. برخی خوش‌بینی‌ها به نظام و روابط بین‌الملل رنگ می‌بازد و نگاه‌ها واقعی‌تر می‌شود. نقاب از چهره‌ی مدعیان حقوق بشر و قوانین بین‌المللی افتاده و حقیقت آشکارتر شده است.

\* دانش‌آموخته‌ی دکتری «نظریه‌ی انتقادی و مطالعات فیلم» از دانشگاه ناتینگهام انگلستان



آمریکا قرار دارد. شاه و رژیم پهلوی در دو رویداد اول و دوم به دلیل ماهیت وابستگی، هیچ کاره است و به عنوان دست‌نشانده آمریکا در ایران، سیاست‌های آمریکا را اجرا می‌کند. در هر سه رویداد تاریخی، ماهیت رویارویی ملت ایران با آمریکا، ماهیت مبارزه است. مبارزه برای رسیدن به استقلال و عزت ملی که با انقلاب اسلامی به دست آمد و تحت پرچم اسلام و رهبری ولایت فقیه با هوشمندی مبتنی بر بصیرت و ایمان ایرانیان ماندگار شد. جنایت‌های رژیم صهیونیستی طی یک سال گذشته در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به ویژه در غزه و لبنان با حمایت‌های همه‌جانبه آمریکایی، نشان می‌دهد مبارزه با آمریکا و اسرائیل غاصب، یک امر لازم است و برای نتیجه‌بخش بودن این مبارزه، ایجاد یک «اتلاف جهانی» علیه این ظالمین خون‌آشام، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.



محسن مهاجرنیا

## استکبارستیزی جزء هویت انقلاب اسلامی است

همزمان با روز ۱۳ آبان؛ روز ملی مبارزه با استکبار و در پی تجاوزات وحشیانه رژیم صهیونیستی و حمایت‌های گستاخانه رژیم تروریستی آمریکا و استکبار جهانی از این جنایت‌های گسترده و کشتار وحشیانه آنها، نشست علمی با موضوع "خوانش جدید از نقش مقاومت در فروپاشی استکبار" با حضور حجت الاسلام دکتر محسن مهاجرنیا عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد.

حجت الاسلام دکتر محسن مهاجرنیا، ضمن اشاره به فرآیند شکل‌گیری استکبار در طول تاریخ و رویارویی آن با جبهه حق، همچنین نقش آموزه‌های وحیانی بویژه قرآن کریم در افشاسازی توطئه مستکبران، استکبارستیزی را جزء هویت انقلاب اسلامی دانسته و با تبیین مراحل شکل‌گیری انقلاب اسلامی، موضوع مبارزه با نظام سلطه و استکبار را به عنوان یکی از آرمان‌ها و شعارهای اصلی انقلاب اسلامی برشمردند که از آغازین روزهای شکل‌گیری این نهضت مقدس در بیانات و نوشته‌های رهبر کبیر و معمار انقلاب اسلامی قدس سره‌الشریف به صورت برجسته و پر رنگ مطرح گردیده است.

ایشان با اشاره به تعدادی از اصول قانون اساسی همچنین رهنمودهای امام راحل قدس سره و مقام معظم رهبری مدظله العالی که در آنها ضرورت مبارزه با استکبار و اهمیت حفظ استقلال کشور تصریح و تأکید شده است هشدار دادند چنانچه این محکمت انقلاب اسلامی آسیب ببیند نظام اسلامی دچار فروپاشی از درون خواهد شد.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه ضمن تحلیل حوادث تاریخی و تبیین چالش‌هایی که انقلاب‌ها در طول تاریخ با آن روبرو شدند گفتند: جوامعی که انقلاب خود را با شعار مبارزه با استکبار آغاز ولی در گذر زمان بر اثر فشارهای اقتصادی و یا رفاه‌زدگی از این شعار عقب نشینی کرده و یا دچار اشتباه

محاسباتی در شناخت نقش دشمن شدند عاقبت در دام استکبار افتاده و با شکست مواجه شدند.

حجت الاسلام دکتر محسن مهاجرنیا، بر ضرورت حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی تأکید و آنرا ثمره مجاهدتها و ایثارگریهای فراوان دانسته و ضمن آسیب شناسی حوادث و جریانات تاریخی، جامعه اسلامی را به حراست و مراقبت از اصول انقلاب توصیه نمودند.

ایشان در بخش دوم سخنانشان به دشمنی کینه توزانه و دیرینه آمریکا نسبت به انقلاب اسلامی پرداخته و آمریکا را عامل اصلی حوادثی از قبیل کودتای نوژه، ماجرای طیس، جنگ تحمیلی، فتنه تجزیه طلبان و ... دانسته و تصریح کردند عنایات الهی در طول عمر پر برکت جمهوری اسلامی، همراه این نظام مقدس بوده و نصرت خداوند متعال و مجاهدت‌های مردم عزیز توطئه دشمنان بویژه آمریکا را با شکست مواجه کرده است.

وی سپس ضمن توضیح معنای "مقاومت" به مفهوم شناسی آن پرداخته و با اشاره به کاربردهای قرآنی آن، مقاومت را پس از توکل بر خداوند متعال، اسم رمز و مهمترین عامل اصلی جهت پویایی و مانایی انقلاب دانسته و اظهار داشتند بی شک تا وقتی این روحیه در جامعه اسلامی وجود داشته باشد انقلاب اسلامی بیمه و در مقابله با دشمنان پیروز خواهد شد.

حجت الاسلام مهاجرنیا ضمن بیان شباهت‌های نبرد کنونی در سرزمین‌های اشغالی؛ بین مردم مظلوم غزه با رژیم جنایتکار صهیونیستی که از پشتیبانی و حمایت‌های همه جانبه آمریکا و



کشورهای اروپایی برخوردار است با دوران دفاع مقدس که در آن نیز تمام کشورها علیه جمهوری اسلامی ایران بودند ولی علیرغم امکانات ناچیز آن زمان؛ نصرت‌های الهی به همراه صبر، اخلاص و مقاومت رزمندگان باعث شد تا پیروز این نبرد ظالمانه و نابرابر شویم در قضیه جاری و حوادث منطقه نیز انشاءالله نصرت الهی شامل مردم مظلوم غزه خواهد شد و آنها پیروز این جنگ سخت و نابرابر خواهند بود.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه در پایان سخنانشان، ضمن اشاره به ضرورت ارتقاء سطح دانش و بینش سیاسی طلاب محترم همچنین لزوم بصیرت افزایی آنها، تأکید نمودند: باید با مطالعه بیشتر حوادث تاریخی بویژه تاریخ انقلاب اسلامی، توان ارزیابی و تحلیل مسائل سیاسی خود را بالا برده و با استفاده از فرصت کم‌ظنیر فضای مجازی و دسترسی به عموم مخاطبان در کمترین زمان ممکن، به مأموریت اصلی خود که نشر معارف توحیدی است به جریان سازی فضای مجازی پرداخته و سهم خود را در دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مبارزه با استکبار ایفا نماییم.

## اضلاع سه‌گانه واگرایی‌های دهه هفتاد:

### حضور دیروز در امروز

مهدی جمشیدی

[یکم]. برنامه تعدیل اقتصادی و گرایش به نظام اقتصادی لیبرال سرمایه‌داری در دولت سازندگی، یکی از اضلاع طرح تحول ایدئولوژیک (یا تجدیدنظرطلبی و یا به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، واگرایی‌های دهه هفتاد) بود که از اواخر دهه شصت به این سو به اجرا درآمد. این طرح ترمیدوری، سه ضلع مشخص داشت:

**الف.** تجدیدنظرطلبی دینی - معرفتی که سرشناس‌ترین نماینده آن، عبدالکریم سروش بود. سروش در سلسله مقالات قبض و بسط تنویک شریعت، نخستین گام را در این راستا برداشت و در طول سال‌های بعد نیز، با ایده‌ها و افکار دیگر، آن را بسط داد و تکمیل کرد. جریان روشنفکری شبه‌دینی که بخش عمده آنها، همان چپ اسلامی در دهه شصت بودند، در مدت اندکی، تغییر ایدئولوژی دادند و از سوسیالیسم معطوف به آموزه‌های شریعتی و رادیکالیسم شبه‌انقلابی، ماهیت لیبرالی یافتند و با گذشته خویش، بدرود گفتند. حلقه صد و ده نفری کیان، به قطب و گرانیکه تحول فکری در جامعه تبدیل شده بود؛ چنان‌که دانشگاه‌ها نیز به سیطره همین جریان درآمده بود. در ظاهر، همه چیز آرام و مهار شده بود، اما در زیرپوست واقعیت بیرونی، دگرذیبی‌های فکری در حال رخ دادن بودند.

**ب.** تجدیدنظرطلبی سیاسی که نیروهای چپ در مجمع روحانیون مبارز (روزنامه سلام)، سازمان مجاهدین انقلاب (هفته‌نامه عصرما)، مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری و حلقه کیان (ماهنامه کیان) آن را مطرح و منتشر کردند و درون‌مایه اصلی آن، اجرای برنامه توسعه سیاسی به منظور دموکراتیزاسیون بود. بیشترین سهم را در این باره، سعید حجاریان داشت. بر این اساس، خاتمی از طرح توسعه اقتصادی عبور کرد و جانب توسعه سیاسی کرد. این هر دو طرح، تجدیدی بودند؛ چراکه توسعه، یک طرح تجدیدی است و به هیچ‌رو، به خدمت غایبات انقلابی گمارده نمی‌شود. چپ مذهبی، آنچنان تغییری کرده بود که حیرت‌زا بود؛ به طوری که از نهایت پیوستار در آن سو، به نهایت این سوی پیوستار حرکت کرده بود.

**ج.** تجدیدنظرطلبی اقتصادی که نیروهای تکنوکرات در دولت سازندگی و در پرتو حمایت‌های هاشمی‌رفسنجانی، آن را محقق ساختند و اقتصاد آزاد و لیبرالی را در ایران حاکم نمودند. در حالی که در دولت میرحسین موسوی، سند اقتصادی ناپخته‌ای تنظیم شده و در مجلس به تصویب رسیده بود، هاشمی‌رفسنجانی آن را نادیده گرفت و به صورت پنهانی، سیاست تعدیل اقتصادی را در پیش گرفت اما بعدها آشکار گردید که وی جهت‌گیری اقتصادی متفاوتی را برگزیده است. برخی تحلیل‌گران، دولت نخست هاشمی‌رفسنجانی را دوران پروستریکای اقتصادی جمهوری اسلامی خواندند؛ چراکه

در این دوره، چرخش‌های اقتصادی بزرگی به وقوع پیوست که همگی برخاسته از برنامه تعدیل اقتصادی بود. در حالی که برنامه تعدیل اقتصادی، سیاست‌هایی چون آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی، ادغام‌شدن در بازار جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی و گشایش دروازه‌های اقتصادی، تقدم رشد بر عدالت و ... را تجویز می‌کرد، ارزش‌های اقتصادی دهه نخست انقلاب بر استقلال اقتصادی و عدالت اجتماعی تکیه داشتند.

**دوم.** در حالی که طرح تجدیدنظرطلبی دینی - معرفتی در عرصه عمومی و به واسطه فعالیت‌های روشنفکران شبه‌دینی و سکولار انجام می‌گیرد، دو طرح تجدیدنظرطلبی اقتصادی و سیاسی، به ترتیب در دستور کار دولت‌های سازندگی و اصلاحات قرار گرفت. طرح تجدیدنظرطلبی یا اصلاح‌طلبی در سه عرصه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، شرایط ساختاری متفاوتی را پدید آورد و انقلاب و جامعه را از مسیر غایبات اولیه‌اش دور ساخت. واقعیت این است که پس از پایان یافتن جنگ و رحلت امام خمینی، به دلیل این‌که بخش‌هایی از حاکمیت دچار دگرذیبی ایدئولوژیک



شده بودند و یا از آشکار شدن آن هراس نداشتند، پذیرش برنامه اقتصادی القاشده از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، با مقاومت‌ها و موانع جدی روبرو نگشت. در این دوره، اعتنا نشد که اسلام نیز به‌مثابه یک مکتب جامع، واجد نظام اقتصادی مستقل است که با هیچ‌یک از نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی و لیبرالیستی، مطابقت ندارد. هاشمی‌رفسنجانی معتقد بود که باید به سوی دستیابی به جامعه‌ای مرفه و صنعتی حرکت کنیم؛ و به تعبیری، خواهان برقراری نوعی سرمایه‌سالاری اسلامی بود. ما همچنان گرفتار تبعات و لطمات این طرح سه‌ضلعی در اقتصاد و سیاست و فرهنگ هستیم. اگرچه انقلاب، تا مرز ترمیدور پیش رفت و در آستانه استحاله قرار گرفت، اما جان سالم به در برد؛ ولی زیست‌جهانی که حاصل این سیاست‌ها و رویکردها بود، هم فضای حاکمیت را آلوده کرد و هم سبک زندگی را در جامعه، دستخوش امراض هویتی نمود. آنچه که امروز از آفات و ابتلائات مشاهده می‌کنیم، چنین ریشه‌های تاریخی و عینی عمیقی دارند. کشف حجاب، یکی از این فروع مترتب بر این گذشته سیاستی است.



## میرزای شیرازی، از دیانت تا سیاست

به مناسبت سالروز صدور حکم حرمت استعمال تنباکو توسط میرزای شیرازی، نگاهی می‌اندازیم به شخصیت و تأثیرات این مرجع بزرگ شیعه. سید محمدحسن حسینی، معروف به میرزای شیرازی، از مراجع برجسته شیعه در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری قمری بود و به دلیل صدور فتوای تحریم تنباکو، نقش عمیقی در تاریخ سیاسی ایران ایفا کرد. او در سال ۱۲۳۰ قمری در شیراز متولد شد و از همان کودکی تحت آموزش دایه‌اش، میرزااحسین موسوی، قرار گرفت. در چهار سالگی به مکتب رفت و خواندن قرآن و مقدمات علمی را به سرعت آموخت. در ۱۲ سالگی وارد تحصیلات فقه و اصول شد و سپس در ۱۸ سالگی به توصیه اساتید خود به اصفهان رفت تا به تحصیلات عالی بپردازد.

پس از ده سال اقامت در اصفهان و کسب اجازه اجتهاد، میرزای شیرازی به عراق سفر کرد و در محضر عالمان بزرگی همچون شیخ انصاری به تحصیل پرداخت. وی که به عنوان یکی از شاگردان خاص شیخ انصاری شناخته می‌شد، برخی از آثار شیخ را تصحیح کرد و پس از درگذشت استادش، به مقام مرجعیت رسید و مرجع واحد شیعیان شد.

فتوای تحریم تنباکو یکی از نقاط عطف در تاریخ ایران به شمار می‌رود. در دوران ناصرالدین‌شاه، قراردادی با کمپانی رژی انگلستان منعقد شد که امتیاز انحصار تنباکو را به این شرکت واگذار می‌کرد و این قرارداد ناراضی عمومی را به همراه داشت. در پی این اعتراضات گسترده، میرزای شیرازی با صدور فتوایی تاریخی، استعمال تنباکو را به عنوان "محرابه با امام زمان" اعلام کرد. نفوذ این فتوا به حدی بود که حتی همسران شاه نیز قلیان‌های خود را شکستند و حکم میرزای شیرازی را پذیرفتند. این فتوا نه تنها باعث فسخ قرارداد شد، بلکه نمایانگر تأثیر عمیق مرجعیت دینی بر تحولات اجتماعی و سیاسی ایران بود.

میرزای شیرازی شاگردان بزرگی همچون شیخ فضل‌الله نوری، عبدالکریم حائری یزدی، و میرزا حسین نائینی را تربیت کرد که بعدها خود به عنوان مراجع تقلید برجسته شناخته شدند و در پیشبرد مبانی علمی و دینی سهم بزرگی داشتند. او در ۸۲ سالگی در سامرا درگذشت و در حرم امام علی (ع) در نجف به خاک سپرده شد. درباره زندگی و فعالیت‌های او، کتاب‌های متعددی نوشته شده است که به نقش او در تاریخ و میراث شاگردانش پرداخته‌اند.



## «وحدت» رمز موفقیت

مصطفی فارویی-مصطفی جهانبخش-حمیدرضا دهقانی پوده



## مادر وسط تاریخ قدسی خداوند قرار داریم

احمد زهدار

رویارویی جبهه مقاومت با اسرائیل رویارویی فراتر از دعوای سیاسی است و به لایه فلسفه سیاسی و الهیات سیاسی و تاریخی برمی گردد و به همین دلیل نتایج آن هم بسیار بزرگ است؛ اینکه مقام معظم رهبری از جنگ برای بقا سخن گفتند به همین دلیل است و بر اساس میانی قرآنی هم این رویارویی، اجتناب ناپذیر است یعنی حق و باطل تا آخر نمی توانند با هم کنار بیایند زیرا تضاد آنان تضاد ذاتی است؛ هم آرزو و رؤیای حق، از بین بردن باطل است و هم رؤیا و آرزوی باطل، از بین بردن و محو کامل حق است لذا باید از تعارف بیرون بیاییم.

به نظر بنده هانتینگتون در کتاب «برخورد تمدن‌ها» صادقانه گفت ما به سمت رویارویی پایان تاریخی در حال حرکت هستیم و در این رویارویی به تعبیر ایشان نماینده تفکر غرب، آمریکا، نماینده تفکر کنفوسیوس و شرق، چین و تفکر نماینده اسلام، ایران شیعی است. ایران به نمایندگی از تفکر اسلامی با تمدنی با محوریت آمریکا در حال جنگ است و اسرائیل، سربازی است که به خاکریز و خط مقدم فرستاده شده. در تحلیل آنان حزب‌الله و غزه خاکریز ایران است لذا اگر از تعارف دست برداریم ماجرا رنگ و بوی دیگری دارد و بسیط و ساده نیست.

بنابراین به نظر بنده از جهت فلسفه تاریخی و نصوص دینی این رویارویی آخرالزمانی قابل پیش‌بینی و قابل توجیه است؛ البته می‌توانیم این تحلیل تاریخی کلان را به جامعه‌شناسی سیاسی بکشانیم و در سطح پایین‌تر یعنی درون جناحی و سیاسی مصطلح تحلیل کنیم و بگوییم اگر فلان شخص رئیس جمهور بود وضعیت متفاوت بود و یا اگر اصلاحاتی‌ها باشند یک طور و اگر اصول‌گراها باشند طور دیگری است؛ این زاویه فقط جزئیات بحث و مواجعه را تغییر می‌دهد یا اینکه زمان را عقب و جلو می‌کند ولی آن سطح کلی و اصل ماجرا را نمی‌تواند تغییر دهد.

ما در وسط تاریخ قدسی خداوند قرار داریم و به عنوان نماینده جبهه حق در حال کنش هستیم و باید از این کنشگری خودمان استقبال کنیم و با باور الهیاتی و باور به صدق وعده نصرت خدا وارد این میدان شویم. الان هم در میدان لبنان و در این وضعیت خاص که حزب‌الله در راس خود، سیدحس نصرالله، دبیر کل مجاهد و فرماندهان میانی و فرماندهان میدانی خود را در ماجرای پیچرها از دست داده است مهمترین منبعی که ارتزاق روحی می‌کند همین تفکرات الهیاتی و باورهای دینی است.

ما انتخاب کرده‌ایم که انسان و مسلمان باشیم و منطق انسانی و اسلامی می‌گوید یاور مظلوم و دشمن ظالم باشیم و اسرائیل واقعا مصداق بارز ظالم است و حتی با فرض نظام حقوقی موجود در دنیای کنونی هم اسرائیل ظالم است یعنی اگر زمانی طبق منطق دینی و اسلامی، اسرائیل ظالم بود الان طبق قوانین بین‌المللی و انسانی هم در تمام دنیا افرادی هستند که ظالم‌بودن و جنایتکاربودن او را قبول دارند. اسرائیل اندیشه سبوعیت و حیوانی دارد. (ایکنا)

در ابتدای نشست «محور مقاومت و آینده منطقه»، مصطفی فارویی مدیرکل طراحی راهبردی سازمان صدا و سیما با تأکید بر اینکه وضعیت جبهه مقاومت رضایت‌بخش است، اظهار داشت: در طول این سال‌ها محور مقاومت از گروه‌های پراکنده وارد مرحله دولت‌سازی شده و اعضای جبهه مقاومت در دولت‌های خود صاحب‌نقش هستند و در یمن و سوریه، دولت در دست مقاومت است. از طرف دیگر از نظر نرم‌افزاری و اندیشه، مکتب مقاومت رشد کرده و مثلاً شهید سنوار در ادبیات خود از برپایی کربلایی دیگر سخن می‌گفت. این یعنی تفکر مقاومت گسترش یافته است. البته طبیعی است که مقاومت و مبارزه با استکبار، هزینه دارد و سختی‌های فراوانی به همراه دارد و جنگ نیز صدمه وارد کرده است.

وی افزود: نکته دیگر اینکه در حال حاضر آمریکا با هزینه بسیار رژیم صهیونیستی را سرپا نگه داشته است. نباید چنین تصور کرد که چون حجم تهاجم جبهه صهیونی شدیدتر است، محور مقاومت نسبت به جنگ‌های قبل (مثلاً جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶) ضعیف‌تر شده است. لازم است مسائل را از این زاویه بینیم که در آن دوره با رژیم صهیونی می‌جنگیدیم و الان محور مقاومت در حال دست و پنجه نرم کردن با آمریکا است. و رژیم صهیونی، بدون پشتیبانی آمریکا کمتر از چند روز نابود می‌شود.

مدیر کل طراحی راهبردی صدا و سیما در ادامه به ضعف ما در تصویرسازی از آینده اشاره کرد و افزود: در حالی که دشمنان جبهه مقاومت با هالیوود و سینما، آینده جهان را مطابق میل خود مدام به تصویر می‌کشند، ما از این ابزار غافل هستیم. ذهن مردم جهان و منطقه با تصویرسازی‌های جبهه استکبار، جهت‌گیری پیدا کرده و تخیل‌ها به سمت یکدست شدن جهان و نابودی هر نوع مقاومتی که در برابر آمریکا و غرب انجام می‌گیرد، هدایت می‌شود. لازم است که در جبهه مقاومت آینده‌های مختلف به تصویر کشیده شود.

فارویی گفت: راهبرد غرب این است که یک تصویر می‌سازد و سپس برای تحقق این تصویر تمام نیروهای خود را بسیج می‌کند. اینکه برخی از کاربران فارسی‌زبان نسبت به حمله رژیم صهیونی به ایران بی‌تفاوت بودند و چندان واکنش جدی نسبت به تعرض به خاک وطن نشان ندادند به این دلیل است که ذهن آنها برای این اقدام آماده شده بود و تصویرهایی که رسانه‌ها قبلاً ساخته بودند باعث توجیه اقدامات رژیم صهیونیستی می‌شد. مصطفی جهانبخش مدیر گروه سیاست خارجی مرکز پژوهش‌های مجلس در بخش بعدی نشست به تحلیل وضعیت موجود و بیان راهبردها پرداخت. او با تأکید بر اینکه لازم است از عبارت محور مقاومت گذار کنیم و به گفتمان مقاومت ارتقا بیاوریم و این گفتمان در تمام ساحت‌ها جریان یابد، تصریح کرد مرور حوادث چند سال گذشته نشان می‌دهد که محور مقاومت توانسته به خوبی طراحی جبهه استکبار را بر هم بزند.

وی اضافه کرد: وضعیت منطقه در چند سال اخیر کاملاً مطابق برنامه نظام استکبار پیش می‌رفت: رژیم صهیونیستی و استکبار تلاش کردند که با طراحی کردورهای مختلف مثل آمیک IMEC، رژیم صهیونی را در شبکه‌های ارتباطات کشورها قرار دهند که به خطر افتادن امنیت این رژیم باعث نگرانی همه شبکه شود. در این طراحی، رژیم تبدیل به قطب فناوری و اقتصادی منطقه می‌شد. از سوی دیگر روند عادی‌سازی که با پیمان ابراهیم Abraham Accords پیش می‌رفت به صورت دائمی منافع و بقای رژیم را تأمین می‌کرد.

جهانبخش تصریح کرد: با وقوع عملیات طوفان الاقصی در سال ۲۰۲۳ این معادله به سود جبهه مقاومت تغییر کرد و باعث شد که حداقل سه اتفاق مهم رخ دهد یکی اینکه امنیت نظامی رژیم صهیونی مورد تهدید قرار گرفت؛ دوم اینکه کردورها



حداقل به صورت موقت از دستور کار خارج شد و سوم اینکه روند عادی‌سازی روابط کشورهای عرب با رژیم صهیونی به تأخیر افتاد. وی گفت: البته با توجه به هزینه‌هایی که از سوی غرب و آمریکا صورت گرفته، خوش‌خیالی است که تصور کنیم به این راحتی از کردورها و عادی‌سازی صرف نظر کنند؛ غرب با تمام قوا مشغول احیای این موارد است. با این حال ضعف آمریکا در مهار رژیم در کشتار شهروندان فلسطینی و لبنانی، باعث شده که اعراب در همراهی با آمریکا دچار تردید شوند و اعتماد خود به غرب را از دست بدهند.

مدیر گروه سیاست خارجی مرکز پژوهش‌های مجلس با طرح این پرسش که حالا باید دید آینده منطقه چگونه خواهد بود؟ بیان کرد: این آینده به ایفای نقش بازیگران بستگی دارد. رژیم صهیونیستی و نتانیاهو بقای خود را در ادامه وضعیت جنگی می‌بیند و بنابراین به راحتی تن به صلح نخواهند داد. جمهوری اسلامی برای حفظ و ارتقای محور مقاومت لازم است اقداماتی را انجام دهد: اول اینکه برنامه مدونی برای منطقه داشته باشد. قدرت گرفتن بازیگرانی همچون چین و روسیه در منطقه به نفع ایران است و آنها باید به تدریج نقش مهم‌تری در این منازعه بر عهده بگیرند.

جهانبخش افزود: دوم اینکه محور مقاومت از ماهیت نظامی باید ماهیت اقتصادی هم داشته باشد. وابستگی اقتصادی بین کشورهای محور مقاومت پدید آید و کردورهایی طراحی شود که به رشد اقتصادی و تعاملات منافع کشورهای محور مقاومت منجر گردد. سوم اینکه نمادها و اسطوره‌ها باید تقویت و ترویج شود. محیط اجتماعی و آمارها نشان می‌دهد که مردم منطقه بیش از هر زمان دیگری آماده پذیرش تفکر مقاومت هستند و این نمادها و اسطوره‌ها می‌تواند به گسترش این تفکر کمک کند. در مقابل، اسطوره‌های رژیم صهیونیستی که باعث به وجود آمدن و بقای این رژیم شد در حال فروپاشی است.

وی خاطر نشان کرد: هولوکاست و مظلوم‌نمایی که هویت صهیونیست‌ها به آن گره خورده بود دیگر مورد توجه نیست. همچنین برچسب یهودستیزی که برای مقابله با دشمنان رژیم استفاده می‌شد اکنون رنگ باخته است. این ابزارها و روایت‌ها که به عنوان ابزار قدرت در اختیار رژیم صهیونیستی بود با اتفاقات یک سال اخیر کارآیی خود را از دست داده است. بنابراین نه تنها در منطقه، بلکه در سطح بین‌المللی تغییراتی اتفاق افتاده که به ضرر رژیم است.

جهانبخش اظهار داشت: طولانی‌ترین اعتراض‌های دانشگاهی علیه رژیم شکل گرفت و علیرغم اینکه رسانه‌ها در دست صهیونیست‌ها و غرب بود اما شبکه‌های اجتماعی توانستند این رسانه‌ها را شکست دهند و با خبررسانی و تحلیل‌ها حمایت از فلسطین را گسترش دادند. مجموعه فعالیت‌ها باعث گسترش و عمیق‌تر شدن گفتمان مقاومت شده است.

حمیدرضا دهقانی پوده مدیرکل خاورمیانه و شمال آفریقای وزارت خارجه در ادامه‌ی این نشست با تأکید بر اینکه پیش از عملیات طوفان الاقصی در سال ۲۰۲۳، بن‌بست‌های فراوانی شکل گرفته بود؛ با اشاره به برخی این چالش‌ها عنوان کرد: غزه در محاصره کامل؛ اختلاف‌نظر فراوان بین گروه‌های فلسطینی؛ پیگیری موفق

اقدامات برای عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و... را شاهد بودیم اما عملیات طوفان الاقصی این معادلات را برهم زد. پس از عملیات طوفان الاقصی، عملیات‌های متعدد دیگری توسط محور مقاومت اجرا شد که به تضعیف رژیم صهیونیستی انجامید.

وی گفت: البته کشتارهای فراوانی که توسط رژیم صهیونی انجام گرفت، خارج از تصور بود از طرف دیگر، هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد که این حجم از زنان و کودکان و افراد غیرنظامی توسط رژیم صهیونی سلاخی شوند و دولت‌های اسلامی اینچنین بی‌تفاوت به نظاره بنشینند. پیش‌بینی و انتظار این بود که با این حجم از شهدا، این کشورها حداقل واکنشی نشان دهند و تحریم‌هایی علیه غرب شکل دهند که این اتفاق نیفتاد. موضوع غیرقابل پیش‌بینی دیگر این بود که کشورهای بزرگ دنیا و دارای حق و تو، همراهی زیادی با این کشتارها داشته باشند و این اتفاق نیز رخ داد و شورای امنیت به راحتی چشم بر این جنایت‌ها بسته است.

کارشناس بین‌الملل در کنار سکوت دولت‌ها، مردم اروپا و غرب از فلسطین حمایت‌های گسترده‌ای داشتند. به نظر می‌رسد در آینده این تفکر به دولت‌ها هم منتقل شود و در رأی‌گیری‌ها افرادی به قدرت برسند که با نظر مردم همراهی بیشتر داشته باشند. بنابراین در آینده مقامات غربی کسانی هستند که با رژیم صهیونیستی همراهی کامل ندارند.

دهقانی پوده با تأکید بر اینکه یکی از مهم‌ترین دستاوردهای طوفان الاقصی، ابطال افسانه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونی و افسانه مظلومیت صهیونیست‌ها بود، خاطر نشان کرد: با این توصیف به نظر می‌رسد که در آینده شاهد استمرار مقاومت خواهیم بود. نظر رخدادهای که با شهادت رهبران مقاومت همراه شد، به گسترش تفکر مقاومت منجر خواهد شد. ممکن است سازمان‌های مقاومت تغییراتی داشته باشند، اما نظریه مقاومت باقی مانده و رشد می‌کند. مقاومت جزو مختصات آینده منطقه است.

وی بیان کرد: به سیاستگذاران پیشنهاد می‌کنیم حتماً برای آینده منطقه ارزیابی همه‌جانبه داشته باشند و برای آن برنامه‌ریزی کنند. آنچه می‌تواند بقای مقاومت را تضمین کند، تکیه بر مردم منطقه است. زیرا تسلیحات در اختیار محور مقاومت، محدودتر از تسلیحاتی است که جبهه استکبار در اختیار دارد. صهیونی قرار داده است؛ از طرف دیگر حوادث این یک‌سال نشان داد که نمی‌توان به نهاد‌های بین‌المللی امید چندانی داشت و ساختارهای بین‌المللی برای مقاومت طراحی نشده‌اند و بنابراین برای ما دستاوردی نخواهند داشت. فقط مردم منطقه و شهروندان آزادی‌خواه در سراسر دنیا هستند که می‌توانند برگ برنده جبهه مقاومت باشند. تکیه بر ملت‌ها و مردم باید اساس نظام بازدارندگی ما در آینده باشد.

این کارشناس بین‌الملل اظهار داشت: در تصویرسازی آینده باید به عنصر مظلومیت توجه ویژه‌ای داشت؛ مظلومانی که شجاعانه برای دفاع از زنان و کودکان با دشمنان صهیونی جنگیدند. این مظلومیت باید در روایت‌های مختلف بیان شود. هرچند جبهه مقاومت اکنون قوی است اما فراموش نکنیم همچنان تحت ظلم هستیم. نکته دیگر اینکه حفظ وحدت و ویژگی کلیدی برای بقای جبهه مقاومت است. وحدت بین مذاهب، نژادها و ملیت‌ها، دولت‌ها و ملت‌ها باید با حساسیت بسیار دنبال شود. هر نوع تفرقه‌افکنی و خط‌کشی بین ملت‌های مسلمان باعث تضعیف جبهه مقاومت می‌شود.

سفیر سابق ایران در قطر در پایان گفت: آینده‌ی منطقه قطعاً در آینده با مقاومت عجین است؛ هرچند ممکن است نوع بروز آن متفاوت باشد. مقاومت تا زمانی که ظلم و اشغال‌گری وجود داشته باشد، ادامه خواهد داشت.

## شکست هیمنه رژیم جعلی



تصویر کشوری که با دروغ بزرگنمایی شده است، این روزها در اذهان عمومی جهانیان در حال شکسته شدن است و جعلی بودن آن بیش از پیش آشکار شده است و این همه به برکت منطق مقاومت و ایستادگی است که رزمندگان جبهه مقاومت با خون‌شان فریادگر آن بوده‌اند!

«زندگی»، مجبور به دفاع از خود شده و دست به اسلحه برده‌اند! اما آنچه طی این ماه‌ها رخ داد، دیگر بیرون از کنترل اتاق‌های عملیات روانی و اراده استادان جنگ روایت‌های رژیم صهیونیستی بود.

امروز «کودک‌کش» بودن این رژیم بر همگان عیان شده است. به واقع، طوفان الاقصی خود به رسانه‌ای بدل شده است که همه هیمنه امپراتوری رسانه‌ای صهیونیست‌ها را به چالش کشیده و در عملیات‌های متعددی آن را بی‌اعتبار کرده است. امروز حتی عجز و ناتوانی نظامی این رژیم پر ادعا که خود را از برترین کشورهای صاحب قدرت نظامی معرفی می‌کرد نیز عیان شده است.

وعده صادق ۲ نشان داد، همه ادعای این رژیم در دفاع هوایی بی‌اعتبار است و جمهوری اسلامی هر نقطه‌ای از سرزمین‌های اشغالی را اراده کند، خواهد زد! تلاش مذبح‌خانه رژیم جعلی صهیونیستی در حمله به جمهوری اسلامی، با وجود بلوف‌ها و رجزخوانی‌های چند هفته‌ای هم انقدر بی‌اعتبار و بی‌اثر بود که صدای حامیان این رژیم را نیز در آورد و هیچ اثری در تضعیف توان جمهوری اسلامی نداشت.

آنچه در ادبیات جنگ شناختی این روزها تأمل‌برانگیز است، توجه به این حقیقت است که بیش از آنکه خود پدیده عینی و بیرونی، محور شکل دادن به شناخت آدمی باشد، آنچه در ذهن انسان به عنوان فاعل شناسا پدیدار می‌شود، اساس و مبنای شناخت قرار می‌گیرد و عقل به آن استناد می‌کند. در این نگاه، با نوعی تقدم سوز به ابراهیم مواجه هستیم که حاصل آن اصالت یافتن ذهن و ادراک آدمی در مواجهه با پدیده است. با این مبنا دیگر مهم نیست که در بیرون چه اتفاقی افتاد، مهم آن است که در ذهن افکار عمومی چگونه آن ماجرا ثبت شده است.

بنابراین هر کس بتواند دستگاه معرفتی و ذهن انسان را مدیریت و مهار کند، می‌تواند قضاوت‌های افراد در مواجهه با پدیده‌های سیاسی-اجتماعی را شکل و جهت بخشد. مبتنی بر همین اصل رژیم صهیونیستی در دهه‌های اخیر و طی سال‌های متمادی با اختیار داشتن رسانه‌ها تلاش کرده است تصویری شرافتمندانه از خود ارائه دهد که حاصل آن مظلوم‌نمایی و فریب افکار عمومی جهانیان باشد. در این تصویر صهیونیست‌ها ملتی مظلوم بودند که عده‌ای غیرمتمدن عرب، زندگی را بر آنان سخت کرده و مانع صلح و آرامش در منطقه‌اند و صهیونیست‌ها تنها برای تحقق





## افزایش نرخ ارز کالاهای اساسی در بودجه ۱۴۰۴

حسن خوشپور

برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره مهم ترین و برجسته ترین تحول لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ با دکتر حسن خوشپور مدیرکل سابق سازمان برنامه و بودجه مصاحبه کرد.

خوشپور با اشاره به اینکه کلیات بودجه ۱۴۰۴ بر اساس قانون آیین نامه داخلی مجلس باید ابتدای آبان ماه تقدیم مجلس می‌شد که این کار بدون تاخیر صورت گرفت اظهار کرد: لایحه بودجه ۱۴۰۴ تحولات متعددی را شامل می‌شود.

وی اقدام سازمان برنامه در تنظیم بودجه را مثبت و در جهت شفافیت بودجه ارزیابی کرد و افزود: تدوین ارقام فرا بودجه‌ای در سند بودجه، اشاره به سهم سازمان هدفمندی یارانه‌ها از بودجه و حرکت به سمت تک‌نرخ کردن ارز از جمله تحولات اساسی در سند بودجه است که می‌تواند تحولات اساسی را در کل اقتصاد کشورمان رقم بزند.

مدیرکل سابق سازمان برنامه و بودجه اظهار کرد: دولت در لایحه بودجه، ارز مربوط به کالاهای اساسی را با توجه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها رشد داده تا نرخ تورم در طی سال تعدیل پیدا کند که بنده معتقدم این حرکت بسیار مثبتی است چون در سالهای قبل یک نرخ ثابت مصوب می‌شد اما در طول سال به دلیل تحولات اقتصادی و مخصوصاً رشد عمومی قیمت‌ها این نرخ عملاً بی‌معنا می‌شد.

خوشپور گفت: بحث اصلاح ساختار بودجه و نظام بودجه ریزی چند سالی است که مطرح شده و گفته می‌شود بودجه ۱۴۰۴ را می‌توان اقدام نخست و اولیه برای اصلاح نظام بودجه تلقی کرد اما این اقدام بیشتر ذیل عنوان شفاف کردن واقعیت‌های بودجه است چراکه در گذشته همه افراد دسترسی به تمام اطلاعات نداشتند و برخی متغیرهای اصلی بودجه مخفی بود اما در بودجه ۱۴۰۴ با بهره‌گیری از احکام برنامه هفتم کشور و نوآوری‌های سازمان برنامه و بودجه این اتفاق افتاده است.

وی افزود: بودجه دولت در سال ۱۴۰۴ در مجموع، شش هزار و ۴۰۷ میلیارد تومان است که سهم اصلی مصارف بودجه مربوط به هزینه‌های جاری دولت است؛ در حقیقت بودجه یک بودجه‌ی توسعه‌ای نیست و سند دخل و خرج جاری دولت است و این معضل بزرگی است که در اقتصاد ایران وجود دارد و لذا نمی‌توان از بودجه انتظار داشت که ظرفیت‌های کشور را توسعه دهد و رشد ۸ درصدی را محقق کند.

مدیرکل سابق سازمان برنامه و بودجه در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو عنوان کرد: از مجموع هزینه‌های جاری دولت، ۲۵ درصد مربوط به متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان، ۲۱ درصد مربوط به پاداش پایان خدمت و ۱۰ درصد یارانه‌ای است که پرداخت می‌شود. همچنین حدود ۷ درصد یارانه نان و ۷۵ درصد بودجه جاری دولت هم مربوط به پرداخت هزینه‌های حقوق و دستمزد است.

خوشپور بر این باور است که اصلاح ساختار بودجه بدون اصلاح مأموریت‌های دولت امکانپذیر نیست.

وی با بیان اینکه تراز عملیاتی بودجه ۸۰۵ هزار میلیارد تومان کسری دارد گفت: ۶۲ درصد آن از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و پول نفت و ۳۷ درصد هم از محل اوراق تأمین می‌شود.

## دلایل ژئواکونومیکی گسترش روابط تجاری ایران و اتحادیه اوراسیا

میلاد صادقی



به گزارش خبرگزاری ای بی سی نیوز آمریکا، جنگ اخیر اسرائیل تأثیرات مخرب و طولانی مدتی بر اقتصاد این رژیم گذاشته است. افزایش چشمگیر هزینه‌های نظامی، کاهش تولید ناخالص داخلی، افزایش نرخ بیکاری و کاهش سرمایه‌گذاری از جمله مهم‌ترین پیامدهای وارد آمده بر رژیم صهیونیستی است. اسرائیل سال گذشته با صرف ۲۷.۵ میلیارد دلار برای هزینه‌های نظامی و سهم آن از تولید ناخالص داخلی با ۵.۳ درصد، به مراتب بالاتر از کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند ایالات متحده (۳.۴ درصد) و آلمان (۱.۵ درصد) در باتلاق هزینه‌ها فرو رفته است.

جنگ اسرائیل علیه غزه نه تنها جان بسیاری را گرفت، بلکه هزینه‌های گزافی بر اقتصاد این رژیم تحمیل کرد. این هزینه‌های هنگفت نگرانی‌ها در مورد آینده مالی اسرائیل را افزایش داده است. افزایش چشمگیر هزینه‌های نظامی در سایه جنگ، اقتصاد اسرائیل را به لرزه انداخته است. به‌ویژه در مناطق مرزی که به دلیل درگیری‌ها خالی از سکنه شده‌اند، رشد اقتصادی به کلی متوقف شده است.

### جنگ طولانی‌تر از همیشه، اقتصاد اسرائیل را فلج می‌کند

در پی این جنگ، اقتصاد اسرائیل ضربه شدیدی خورد؛ به طوری که تولید ناخالص داخلی این رژیم در سه ماه پس از حمله، ۵.۶ درصد کاهش یافت. این افت، شدیدترین کاهش تولید در میان اعضای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) بود. اگرچه اقتصاد اسرائیل در نیمه اول سال رشد ۴ درصدی را تجربه کرد، اما این رشد در سه ماه دوم به شدت کاهش یافت و تنها ۰.۲ درصد بود.

تبعات جنگ بر اقتصاد غزه و کرانه باختری بسیار شدید بوده است. در غزه که پیش از جنگ نیز با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کرد، ۹۰ درصد جمعیت آواره شده‌اند و نرخ بیکاری به شدت افزایش یافته است. در کرانه باختری نیز تحریم‌ها و محدودیت‌های نظامی، اقتصاد را فلج کرده و ده‌ها هزار کارگر فلسطینی شغل خود را از دست داده‌اند. گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که اقتصاد کرانه باختری در سه ماهه اول به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

جنگ اسرائیل، اقتصاد این رژیم را به شدت تحت فشار قرار داده است. فراخوان‌های مکرر برای خدمت سربازی، کمبود نیروی کار را تشدید کرده است. همچنین، ناامنی و اختلال در حمل‌ونقل، سرمایه‌گذاری‌ها و صنعت گردشگری را با چالش مواجه کرده است.

جنگ اسرائیل، اقتصاد این رژیم را به شدت تحت فشار قرار داده است. فراخوان‌های مکرر برای خدمت سربازی، کمبود نیروی کار را تشدید کرده است. همچنین، ناامنی و اختلال در حمل‌ونقل، سرمایه‌گذاری‌ها و صنعت گردشگری را با چالش مواجه کرده است.

جدی مواجه کرده است. یکی از بزرگترین نگرانی‌ها، ماهیت نامحدود درگیری‌ها است که بیش از یک سال ادامه دارد. اقتصاد اسرائیل پس از جنگ ۲۰۰۶ با حزب الله در جنوب لبنان به سرعت بهبود یافت. اما آن درگیری تنها ۳۴ روز طول کشید.

آمریکا، شریک اصلی نظامی و اقتصادی اسرائیل در بحران غزه قبل از آغاز جنگ، آمریکا سالانه حدود ۳.۸ میلیارد دلار کمک نظامی به اسرائیل می‌کند. این توافق در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما امضا شده بود. این کمک که حدود ۱۴ درصد هزینه‌های نظامی اسرائیل را تشکیل می‌داد، عمدتاً به جیب شرکت‌های دفاعی آمریکایی سرازیر می‌شد. مطابق آخرین پژوهش‌های دانشگاه براون، ایالات متحده از آغاز جنگ در غزه و تشدید تنش‌ها در منطقه غرب آسیا، بیش از ۱۷.۹ میلیارد دلار صرف کمک‌های نظامی به اسرائیل کرده است.

ایالات متحده علاوه بر پشتیبانی نظامی، در بحران‌های اقتصادی اسرائیل نیز با تزریق مالی قابل توجهی به کمک این رژیم شتافته است. تصویب اعتبار ۹ میلیارد دلاری توسط کنگره در سال ۲۰۰۳، به اسرائیل امکان داد پس از آسیب‌های اقتصادی ناشی از درگیری‌ها، وام‌های مورد نیاز خود را با شرایط بسیار مناسب دریافت کند. (منبع: ای بی سی نیوز)

## تولید برق هسته‌ای از مزه همکاری اعضای بریکس



ظرفیت مغفول در توسعه برق هسته‌ای از سوی کشورهای بریکس  
کشورهای عضو بریکس در حال حاضر ۳۹۰ گیگاوات نیروگاه هسته‌ای قابل بهره‌برداری دارند و ۶۶ مگاوات دیگر نیز در دست ساخت است. یکی از اهداف این نشست این است که در صورت نیاز، این دیدگاه به کشورهای عضو گروه بریکس داده شود که انرژی هسته‌ای به عنوان یک انرژی پاک شناخته شده است و می‌تواند در تولید سایر حامل‌های انرژی نظیر برق، کاربردهای گوناگونی داشته باشد.

مدیرعامل شرکت روس‌اتم با بیان این نکته مثبت که تقریباً تمامی اعضای گروه بریکس در حال اجرای پروژه‌هایی در زمینه انرژی هسته‌ای هستند، خاطر نشان کرد: امروزه به واسطه انتقال تجربه و دانش انرژی هسته‌ای در میان کشورهای بریکس، تمامی کشورهای عضو تا حدود مطلوبی از محرک‌های فناوری بازار بین‌المللی انرژی هسته‌ای تجربه مشترکی دارند و پیشنهاد اصلی نیز این است که در چارچوب توافق‌نامه بریکس، اتحاد کشورها برای اختیار قرار دادن دانش و مهارت در اختیار کشورهای عضو، باقی بماند.

به گزارش خبرگزاری رسمی دولت روسیه، مدیرعامل روس‌اتم ضمن اشاره به روند توسعه انرژی هسته‌ای در کشورهای عضو بریکس گفت: هدف اصلی این نشست همان‌طور که قابل

یکی از مهم‌ترین اهداف دیدارهای دو یا چند جانبه در نشست بریکس، توسعه همکاری‌های هسته‌ای بین کشورهای تولید برق بود. به همین منظور، مدیرعامل روس‌اتم در گفت‌وگو با مدیران عالی رتبه سیاسی کشورها گفت که این سازمان حاضر است برای توسعه انرژی هسته‌ای در کشورهای عضو این سازمان، برنامه‌ریزی گسترده و عملیاتی انجام دهد.

اعضای سازمان کشورهای بریکس در حال حاضر برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، ایران، مصر، ایتوبی و امارات متحده عربی هستند و بیش از ۲۰ کشور دیگر نیز تمایل خود را برای پیوستن به این سازمان ابراز کرده‌اند و این مسئله می‌تواند تبدیل به موازنه قدرت در مقابل گروه کشورهای صنعتی ملقب به G7 باشد.

ایجاد بسترهای تبادل نظر در حوزه انرژی هسته‌ای از سوی گروه بریکس

یکی از نشست‌های مهمی که در اجلاس اخیر بریکس به میزبانی روسیه برگزار شد، به استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اشاره داشت و به این مسئله پرداخت که کشورهای عضو بریکس چگونه می‌توانند از این انرژی تجدیدپذیر بالاترین آورده را دریافت نمایند.

مدیرعامل شرکت روس‌اتم با بیان این نکته مثبت که تقریباً تمامی اعضای گروه بریکس در حال اجرای پروژه‌هایی در زمینه انرژی هسته‌ای هستند، خاطر نشان کرد: امروزه به واسطه انتقال تجربه و دانش انرژی هسته‌ای در میان کشورهای بریکس، تمامی کشورهای عضو تا حدود مطلوبی از محرک‌های فناوری بازار بین‌المللی انرژی هسته‌ای تجربه مشترکی دارند و پیشنهاد اصلی نیز این است که در چارچوب توافق‌نامه بریکس، اتحاد کشورها برای اختیار قرار دادن دانش و مهارت در اختیار کشورهای عضو، باقی بماند.





## خواب سنگین مستند در لانه

مریم فضائلی

■ عظمت ۱۳ آبان در هیچ کدام از آثار مستند دیده نمی‌شود

شاید برای برخی این سؤال مطرح باشد که چرا با گذشت چهل‌واندی سال از تسخیر لانه جاسوسی، هنوز هم باید هرسال این واقعه تاریخی را زنده نگه داشت؟ این سؤالی است که نشان از کم‌کاری در کارهای فرهنگی مرتبط با این موضوع دارد. مستند، یکی از ابزارهای است که می‌تواند در تبیین و چرایی این اتفاق کمک زیادی کند. این واقعه به دلیل اهمیتش مبنای ساخت آثاری برای مستندسازان قرار گرفته و درباره آن مقالات بسیاری نوشته شده است. اما هنوز آثاری که بزرگی و خاص بودن این اتفاق را نشان دهد، ساخته نشده است. در این گزارش، به تعدادی از مستندهای ایرانی و خارجی اشاره کرده‌ایم که تسخیر لانه جاسوسی محور آنها است.

«انقلاب در خیابان روزولت» به کارگردانی حمید عظیمی که در سال ۱۳۹۱ اکران شده، این مستند نیمه‌بلند و انگلیسی‌زبان درباره داستان مقدمات و پیامدهای واقعه سرنوشت‌سازی است که صبح ۱۳ آبان سال ۵۸ در خیابان روزولت سابق تهران رقم زده شد و دو دوره جنگ سرد را به هم پیوند داد. این مستند با بیان یک استثنای در قاعده دموکراسی که در هفت دهه اخیر بیشتر از یک قاعده رایج بوده است، به تاریخ دخالت‌های دولت آمریکا در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران و همچنین تسخیر لانه جاسوسی در تهران می‌پردازد.

مستند «فراراد ۱۹ ژوئن» به کارگردانی ایمان گودرزی، در ژانر تاریخی با گرایش سیاسی، روایتی از یک تطابق تاریخی از مذاکره ایران و آمریکا می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این مستند مطابقت آن با شرایط و مسائل جامعه امروز ایران و نقطه عطف آن ماجرابی است که شباهت زیادی به برجام دارد. اتفاقات عجیبی در جریان این مذاکرات رخ داده که آن را بسیار شبیه مذاکرات برجام کرده، سیاست‌ها، حمایت‌ها، تیریک‌ها به رهبری و... همگی شبیه برجامند و به همین جهت، باعث شده این مستند شناخته‌شده‌تر شود، حتی وقتی معلوم می‌شود مذاکرات شکست‌خورده‌اند، همه حرف‌ها با کلیدواژه «ظارت امام»، «هدایت امام» و «رهبری امام» مطرح می‌شود.

مستند «نیمه‌شب ۲۴ آوریل» شاید به طور مستقیم موضوع سفارتخانه آمریکا را در نظر نگرفته باشد، اما به ابعاد جدیدی از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی می‌پردازد. در نیمه‌شب ۲۴ آوریل، پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ نیروهای آمریکایی وارد صحرای طبس شدند تا از آن طریق گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران را آزاد کنند. جواد موهوبی، کارگردان مستند به حادثه طبس و اتفاقات بعد از آن پرداخته است؛ اینکه عملیات از کجا شروع شد، چه اهدافی را دنبال می‌کرد، طراحی آن چطور بود و اگر از طبس عبور می‌کردند، عوامل ایرانی قرار بود چطور به کمک آنها بیایند. این مستند در گفت‌وگو با خلبان آمریکایی و واکاوی شهادت شهید محمد منتظر قائم کوشیده تا پاسخی برای چرایی بمباران هلی‌کوپترهای باقی‌مانده از نیروهای مهاجم آمریکایی در صحرای طبس بدهد.

## ایجاد نهضت فرهنگی-جهانی مقاومت

مهدی محمدخانی

■ ایجاد نهضت فرهنگی - جهانی مقاومت و استفاده از هفته کتاب برای رساندن پیام آن ضروری است



مهدی محمدخانی، مدیر انتشارات روایت فتح، با بیان اینکه مقاومت اکنون در مرحله حساسی قرار دارد، گفت: جریان مقاومت با چالش‌های بزرگی روبه‌روست؛ تعدادی از سرداران این جریان به شهادت رسیده‌اند و رژیم صهیونیستی دست به وحشی‌گری بی‌حد زده است. در چنین شرایطی، نیازمند پیوستی فرهنگی هستیم که پیام مقاومت را جهانی کند.

امروز، مردم جهان نسبت به رفتارهای ظالمانه رژیم صهیونیستی آگاه‌تر از قبل شده‌اند و این فرصتی است که بتوانیم پیام مقاومت را با صدایی رساتر به گوش جهانیان برسانیم.

وی افزود: امروز یک نهضت جهانی فرهنگی در این حوزه باید شکل بگیرد؛ نهضتی که فراتر از مرزها و قومیت‌ها، نگاهی انسانی به مقاومت داشته باشد. دنیا امروز آماده‌تر است تا واقعیت‌های این جریان را بشنود و با ظلم و بی‌عدالتی‌ای که بر مردم فلسطین و لبنان می‌رود، آشنا شود. مردم نسبت به سال گذشته آگاه‌تر شده‌اند و باید از این آمادگی ذهنی استفاده کنیم تا تولیدات فرهنگی روشنگرانه‌ای را به مخاطبان ارائه دهیم.

مدیر انتشارات روایت فتح، ضمن تأکید بر لزوم همکاری هنرمندان و نویسندگان بین‌المللی برای توسعه فرهنگی مقاومت، هفته کتاب را بستری مهم برای زنده نگه‌داشتن پیام مقاومت در سراسر جهان دانست. او خواستار تلاش مشترک برای تولیدات فرهنگی و معرفی گسترده آثار ادبی مقاومت شد.

محمدخانی با اشاره به اهمیت رویدادهای فرهنگی ایران و به‌ویژه هفته کتاب ادامه داد: هفته کتاب رویداد مبارکی است که هر سال برگزار می‌شود و توجه‌ها را به کتاب و کتابخوانی جلب می‌کند. امسال با توجه به جنایات رژیم صهیونیستی و اوضاع موجود، این هفته می‌تواند فرصتی باشد تا بخشی از توجهات را به حوزه مقاومت معطوف کنیم. با برگزاری رویدادهای مختلف، می‌توان ظلمی را که بر مردم فلسطین و لبنان روا داشته می‌شود، به نمایش گذاشت.

وی اضافه کرد: طی چهار دهه گذشته، کتاب‌های زیادی در حوزه مقاومت منتشر شده‌اند که اکنون باید بازخوانی و برخی آثار احیا شوند. هفته کتاب می‌تواند نقطه عطفی برای تولیدات جدید نیز باشد. همچنین، ایجاد ارتباط میان

نویسندگان و ناشران حوزه مقاومت در کشورهای مختلف می‌تواند به معرفی گسترده این آثار کمک کند و یک گردهمایی از دل‌های همراه با مقاومت را در میان فعالان حوزه کتاب و کتابخوانی به وجود آورد.

محمدخانی در ادامه گفت‌وگو به ارزیابی جریان نشر کتاب‌های مقاومت پرداخت و اشاره کرد: نشر کتاب‌های مقاومت در سال‌های اخیر رشد خوبی داشته و در مقایسه با گذشته، تولیدات بیشتری در این زمینه انجام شده است. نقطه عطف این تولیدات به روایت زندگی شهدای مدافع حرم برمی‌گردد که طی سال‌های اخیر تقویت‌کننده نشر کتاب‌های محور مقاومت بوده است. مقاومت تا هر زمان که زنده است، این کتاب‌ها هم جایگاه خود را حفظ خواهند کرد و مخاطبان خود را خواهند داشت.

مدیر انتشارات روایت فتح در رابطه با فعالیت‌های فرهنگی سایر کشورها در این زمینه گفت: برای ارزیابی میزان و کیفیت تولیدات فرهنگی در سایر کشورهای جهان مقاومت، به تحقیقی جامع و دقیق نیاز است. این که چقدر از تولیدات فرهنگی در کشورهای دیگر مفید و مؤثر است، مسئله‌ای است که باید بررسی شود، اما در کشور ما بخش زیادی از تولیدات به ادبیات پایداری و مقاومت اختصاص دارد و خوشبختانه نشرهای متعددی در این حوزه فعال هستند.

وی ادامه داد: یکی از مسائل مهم، ترجمه و معرفی آثار حوزه مقاومت به زبان‌های دیگر است تا پیام این آثار به مخاطبان بین‌المللی نیز برسد. باید روی معرفی و بازخوانی آثار مقاومت در سطح جهانی کار بیشتری انجام شود و آثاری که هنوز ترجمه نشده‌اند یا به زبان‌های دیگر نیاز دارند، به شکل گسترده‌تری معرفی شوند. این امر می‌تواند به مخاطبان جهانی امکان دهد تا از محتوای ارزشمند این آثار بهره‌مند شوند و پیام مقاومت به گوش تمامی مردم دنیا برسد.

## جایی برای یانکی‌ها نیست

ایمان عظیمی

■ در دنیا هم سینمای ضدآمریکا داریم؟

سینما محصولی غربی است و این آنهاییست که ابزار و وسایل مرتبط با سینما را براساس نیازهای خود و برای به زیر کشیدن جوامعی که سرکش خطایش می‌کنند مورد ابداع و استفاده قرار می‌دهند. یکی از اهداف صنعت سینمای هالیوود نیز مسطح کردن زمین فرهنگ در اجتماعات غیرهمسان از راه دست گذاشتن روی شکاف‌های میان دولت و ملت است و در این مسیر تقریباً قاتل به وجود و حضور هیچ رقیبی نیست و آنچنان هم نمی‌توان با جذب پول و ساخت فیلم‌هایی که حداقل در بُعد سینمای محافظه‌کارانه ژانر ساخته می‌شوند به مقابله با آثار مخرب فرهنگی سینمای آمریکا پرداخت.

در معرفی آثار ضدامپریالیستی و ضدآمریکایی باید به این نکته توجه ویژه داشت که اغلب آنها رغبت چندانی بر استفاده از فرم‌های از پیش موجود و قرار دادن مطروف خود در ظرف سینمای محافظه‌کار و عمیقاً ایدئولوژیک ژانر ندارند و اگر هم درصد جذب سلیقه مردم عادی برمی‌آیند حتماً در لایه‌های محذوف‌تر آثارشان رگه‌هایی از ایجاد نظم جدید را به نمایش می‌گذارند.

«سینمای سوم» در ساختارهای هنری قاتل به یک نوع رقابت با آثار هالیوودی و سینمای مدرنیستی و برداعی اروپاست و اگر نمی‌تواند یا بهتر است بگوییم که نمی‌خواهد در کوتاه‌مدت بازار را تصاحب کند، لاقلاً مخاطب را با تجربه‌های زیبایی‌شناسانه جدیدتر و بدیع‌تری مواجه می‌سازد. سینمای سوم را باید درون یک ساختار و جنبش انقلابی موردبررسی قرار داد. این مدل از سینما بیشتر در کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا جریان دارد ولی می‌تواند به تجربه‌های جهان‌شمول و ورای مرزهای جغرافیایی نیز تبدیل شود و هیچ نیازی به قیدوبندهای اخلاقی سرمایه‌سالارانه نداشته باشد. فیلم‌های منتسب به موج سینمای سوم قصد دارند تصویری واقع‌گرایانه از زندگی به اجتماع پیرامون ارائه دهند و به مبارزه با استعمار نوین آمریکایی بپردازند. موضوعاتی نظیر فقر، هویت ملی، استبداد و... از مضامین اصلی این سینما به‌حساب می‌آیند. این اصطلاح (سینمای سوم) در ابتدا توسط فرناندو سولاناس و اکتاویو گتینو مورداستفاده قرار گرفت.

## اختصاص هفته‌ای برای کتاب و کتابخوانی در تقویم یک کشور امری علم‌پرورانه است

افسانه‌واحدیار

افسانه واحدیار دانشجوی رشته دکتری ادبیات فارسی، یک شاعر و منتقد ادبی اهل هرات است که هم‌اکنون در دانشگاه فردوسی مشهد در مقطع دکتری ادبیات فارسی تحصیل می‌کند.

به قلم واحدیار تاکنون مجموعه اشعاری چون «مانند عشق در دقایق ممنوعه» و «مرگ سرزده سر می‌زند» و کتاب «پرسه در دیگری» با موضوع نقد و بررسی شعر دهه‌های اخیر هرات منتشر شده است. به مناسبت در پیش بودن هفته کتابی دیگر گفت‌وگویی با این شاعر و فرهیخته افغانستانی داشته‌ایم. وی ضمن معرفی عامل فرهنگ دوستی مردم افغانستان، کتاب‌های درسی معارف افغانستان و همچنین برنامه آموزش سنتی مساجد را نخستین پله‌های آشنایی کودکان و نوجوانان افغانستانی با ادبیات کهن برشمرد و گفت: یکی از زبان‌های ملی افغانستان، فارسی دری است و جمعیت کثیری از مردم به این زبان صحبت می‌کنند. شعر یکی از کهن‌ترین هنرهای زبانی محسوب می‌شود. وی افزود: مردم ما علاقه زیادی به شعر دارند و شعرای کهن را تا حدودی می‌شناسند. افغانستان کشوری سنتی است و مردم دختران و پسران خود را قبل از مکتب (مدرسه) به مسجد می‌فرستند. بخشی از برنامه‌های آموزش سنتی مساجد خوانش اشعار حافظ و بیدل است. همچنین در نصاب درسی افغانستان از دوره ابتدایی اشعار شعرای کهن گنجانده شده است به این

کشور امری علم‌پرورانه و فرهنگ دوستانه محسوب می‌شود. چون بهانه‌ای می‌شود که رسانه‌ها، نخبگان و همه کسانی که سهمی در حوزه فرهنگ ادبیات و هنر دارند در مورد کتاب، ترویج فرهنگ مطالعه، مشکلات فرا راه حوزه نشر و ... بیان‌بیشند و صحبت کنند. همچنین یک فرصت مغتنم است که راهکارهایی جهت بهبود وضعیت کتاب و مسایل مرتبط با آن را بسنجند.

واحدیار همچنین در پاسخ به این سوال که «آیا در افغانستان نیز برنامه‌ای مشابه هفته کتاب ایران برپا می‌شود یا خیر؟» گفت: در افغانستان در دوره جمهوریت هفته‌ای به نام کتاب و کتابخوانی داشتیم که در این هفته نمایندگان کتاب‌های دایر می‌شدند و مراکز آموزشی و رسانه‌ها برای ترویج فرهنگ کتابخوانی تبلیغ می‌کردند، اما متأسفانه پس از تحولات اخیر افغانستان دیگر چندان توجهی به این مسائل نشان داده نشد.

وی کتاب را یکی از مهم‌ترین عوامل بهبود و گسترش دیپلماسی فرهنگی بین کشورها عنوان کرد و افزود: کتاب‌های داستان و شعر می‌تواند زمینه آشنایی خواننده با فرهنگ سایر کشورها و شیوه زندگی و افکار کسانی را که در بستر جغرافیایی فرهنگی دیگر زندگی می‌کنند، فراهم کند. در کل کتاب ابزار تأثیرگذاری برای تعامل فرهنگی بین جوامع است.

ترتیب بچه‌های افغانستان از سنین کم با نام و شعر بزرگان ادبیات کلاسیک آشنا می‌شوند؛ اما به دلیل جنگ و نابه‌سامانی، دانشگاه‌های ما کمتر توانستند افراد کارشناس خبره و ورزیده‌ای پرورش دهند که همچون پژوهشگران متخصص شعر کهن حرف تازه‌ای داشته باشند.

واحدیار ادامه داد: در سال‌های اخیر با افزایش ترجمه کتاب، ترویج بورسیه‌های تحصیلی، گسترش تکنولوژی و سهولت در سفر کردن زمینه بیشتری برای آشنایی با شعرای کهن فارسی برای مردم جهان به وجود آمده است، اما آثار ارزشمند کهن زبان فارسی شایسته شناخت بیشتر است تا میراث فرهنگی و شناسنامه هویتی فارسی‌زبانان به غیر فارسی‌زبانان معرفی شود.

این شاعر و منتقد ادبی در بخش دیگری از سخنان خود درباره اهمیت و ضرورت وجود یک رویداد فرهنگی مختص به کتاب در ایران و دیگر کشورهای فارسی‌زبان گفت: مناسبت‌ها بهانه‌ای هستند تا در مورد مسائل مختلف تأمل کنیم، از وجودشان آشنایی زدایی کنیم، در موردشان گفت‌وگو کنیم و مشکلاتی را که پیش روی خود داریم، مورد بررسی قرار دهیم.

شاعر مجموعه «مانند عشق در دقایق ممنوعه» اضافه کرد: اختصاص دادن یک هفته برای کتاب و کتابخوانی در تقویم یک



شاعر مجموعه «مرگ سرزده سر می‌زند» گفت: با برگزاری نمایشگاه‌های مشترک کتاب می‌توان زمینه تبادل کتاب بین کشورهای مختلف را فراهم کرد. همچنین دعوت از نویسندگان خارجی، زمینه آشنایی مخاطبان و نویسنده‌ها با آثار اهل قلم کشورهای دیگر را فراهم می‌سازد. حتی شاید منجر به چاپ ترجمه‌هایی از نویسندگان کشورهای دیگر شود. چه کالایی ارزشمندتر از کتاب که می‌تواند با برگزاری جشن و توجه به آن نزدیکی و همگرایی فرهنگی ملت‌ها را فراهم کند؟







صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی  
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند  
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی  
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸  
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵  
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI  
@ASREGANOON  
@ASREGANOON



## خواب سنگین مستند در لانه

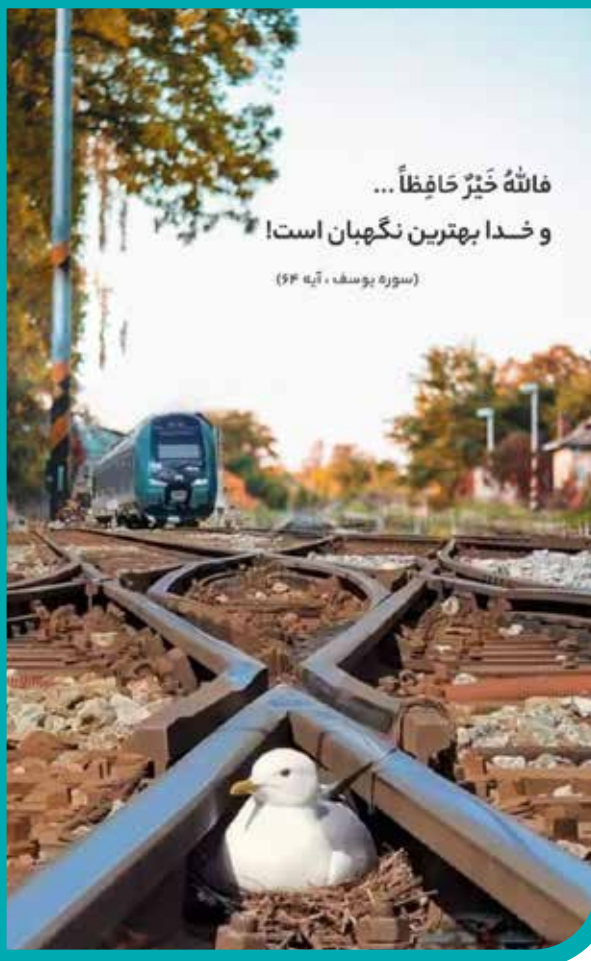
مستند «نیمه شب ۲۴ آوریل» شاید به طور مستقیم موضوع سفارتخانه آمریکا را در نظر نگرفته باشد، اما به ابعاد جدیدی از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی می‌پردازد.

۱

## جایی برای یانگی هانیست

در معرفی آثار ضدامپریالیستی و ضدآمریکایی باید به این نکته توجه ویژه داشت که اغلب آنها رغبت چندانی بر استفاده از فرم‌های از پیش موجود و قرار دادن مظلوف خود در ظرف سینمایی محافظه کار و عمیقاً ایدئولوژیک ژانر ندارند.

۱



فانته خیر حافظاً...  
و خدا بهترین نگهبان است!  
(سوره یوسف، آیه ۶۴)

## نظارت عملیاتی وزارت با حداقل سهام!

شهبانو روزی

انتظارها به سر رسید و همانطور که انتظار می‌رفت وزارت ورزش نشان داد هنوز هم نمی‌تواند نسبت به آینده استقلال و پرسپولیس بی‌تفاوت باشد. البته فعلاً این استقلال است که در منطقه سقوط قرار گرفته و طبیعتاً برای نظارت عملیاتی در اولویت قرار دارد.

روز گذشته خبری منتشر شد مبنی بر مذاکره احمد دنیامالی با علی‌عسگری، مدیرعامل گروه صنایع هلدینگ خلیج فارس در خصوص آخرین وضعیت استقلال و بحرانی که آبی‌ها با آن مواجه شده‌اند. بعد از این مذاکره، طرفین تصمیم به برگزاری نشست ویژه جهت بررسی شرایط گرفتند تا برای فراهم کردن آرامش هواداران تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. واکنش‌ها، ابهامات و سؤالات ایجاد شده برای عموم مردم، هواداران استقلال و رسانه‌ها تقریباً یکسان بود. اینکه مگر وزارت ورزش دغدغه دیگری جز استقلال ندارد، اصلاً چرا وزارتخانه باید نگران حال و روز استقلال باشد، پس دیگر تیم‌ها چه می‌شوند، آیا این مذاکرات و نشست‌های ویژه دخالت در امور یک باشگاه به اصطلاح خصوصی به حساب می‌آید و دل‌نگرانی وزیر شائبه حمایت ویژه از یک تیم خاص را مطرح می‌کند!

این‌ها اصلی‌ترین مواردی است که هر عقل سلیمی به ذهنش می‌رسد و به واگذاری سرخابی‌ها شک می‌کند. دو تیم کاملاً دولتی با هیاهو و جنجال زیاد به بخش خصوصی واگذار شدند؛ یکی به بانکی‌ها رسید و آن یکی به هلدینگ پتروشیمی. از آنجا که وضعیت پرسپولیس فعلاً خوب است، همه نگاه‌ها به استقلال است و منتظرند ببینند آخر این ماجرا چه می‌شود. دنیامالی اخیراً در مصاحبه‌های روی شرایط ویژه سرخابی‌ها و هواداران پرتعدادشان تأکید کرده بود و اینکه آن‌ها مشکل مالی ندارند، ولی یکسری مسائل مدیریتی چرا. با این تفکر بود که وزیر به آسیایی بودن و یدک کشیدن نام ایران از سوی این دو تیم اشاره و تأکید کرد کمک وزارت به معنای دخالت نیست، بلکه وزارت همچنان سهامدار سرخابی‌هاست و سهامش نیز مدیریتی است، به همین خاطر مراقبت عملیاتی وزارت ادامه خواهد داشت!

همان موقع باید می‌فهمیدیم منظور از مراقبت عملیاتی یا

## تیم داور ایرانی-کره شمالی مشخص شد



با اعلام فیفا، سعدالله گلمرادی به عنوان داور، حسن کریم اف و وافو کارا اف به عنوان کمک داور و نصرالله کبیراف به عنوان داور چهارم دیدار ایران برابر کره شمالی در مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶ قضاوت خواهند کرد.

## عاقبت درگیری با سرمربی!



- با اعلام باشگاه فلومیننزه، قرارداد مارسلو، مدافع ۳۶ ساله برزیلی با توافقی دوجانبه فسخ شد.
- اسطوره برزیلی در دیدار اخیر تیمش پیش از ورود به زمین به عنوان بازیکن تعویضی، با سرمربی تیم در پیرو شد که همین موضوع باعث شد سرمربی فلومیننزه تعویض را انجام ندهد و از او بخواهد به روی نیمکت بازگردد.
- ۱ روز پس از این اتفاق مارسلو از فلومیننزه جدا شد.

## VAR یا بلای جان

دنیاحیدری



دیدار استقلال خوزستان با پرسپولیس نتوانست هندی را که با چشم غیرمسلح هم دیده می‌شد و بازیکن حریف نیز خود بدان اعتراف کرد، تشخیص دهد.

صدالبته که اتفاق رخ داده تنها مختص به بازی استقلال خوزستان با پرسپولیس نیست و در مصاف استقلال با خیبر در خرم‌آباد نیز دقیقاً داور برای تصمیم‌گیری منتظر نظر اتاق VAR بود، به طوری که گویی خود اختیاری برای تصمیم‌گیری نداشت.

همانطور که در مصاف پرسپولیس با شمس آذر قزوین و بسیاری از دیدارهای دیگر نیز رخ داده است، مسئله‌ای که در هفته‌های نخست می‌شد با تازه‌کار بودن داوران با این تکنولوژی زیرسیلی رد کرد، اما امروز بعد از گذشته ۱۱ هفته از رقابت‌های لیگ دیگر نمی‌توان با این جملات خود را گول زد که باگ‌های کمک‌داور ویدئویی رفته‌رفته کم می‌شود، وقتی اوضاع دارد هفته به هفته بدتر می‌شود، بدون آنکه هیچ توضیح خاصی هم در این راستا داده شود. برای نمونه هفته‌های نخست لیگ بارها و بارها این درخواست مطرح شد که اگر از پخش تصاویر VAR امتناع می‌شود، حداقل مکالمات داوران برای برطرف شدن ابهامات منتشر شود، اما نه تصاویری پخش شد و نه مکالمات تا ثابت شود کمک‌داور ویدئویی نه تنها باری از دوش داور برداشته که اوضاع را بغرنج‌تر هم کرده است!

نه فقط به مرور زمان از بین رفته که بیشتر و بیشتر هم شده، به طوری که حالا به نظر می‌رسد قضاوت بازی‌هایی که با استفاده از کمک‌داور ویدئویی برگزار می‌شود را اتاق VAR در دست دارد، نه داور وسط! مسئله‌ای که خود می‌تواند حرف و حدیث‌های بسیاری را به دنبال داشته باشد و اوضاع را بغرنج‌تر از زمانی کند که داور وسط به اشتباه در سوت خود می‌دمید!

برای نمونه در مصاف حساسی که همین چند روز قبل در غدیر اهواز بین استقلال خوزستان و پرسپولیس برگزار شد، در دقایق پایانی نیمه اول یک صحنه بسیار مشکوک درون محوطه استقلال خوزستان رخ داد، به طوری که بعد از ضربه سر لوکاس ژائو، توپ به دست سیدمحمد حسینی برخورد کرد، اما داور اعتقادی به هند نداشت، در حالی که بعد از بازی این بازیکن خود صراحتاً اعتراف کرد توپ به دستش خورده و تأکید کرد دلیلی ندارد وقتی اتفاقی رخ داده در خصوص آن دروغ بگوید.

اما نکته جالب این بود که داور گویا گوش به فرمان اتاق VAR بود! حال آنکه تصمیم‌گیرنده اصلی داور میدان است و او تنها وقتی در خصوص صحنه‌ای نیاز به مشورت دارد باید از همکارانش در اتاق VAR کمک بگیرد، نه اینکه بعد از هر صحنه منتظر تصمیم‌گیری آن‌ها بماند، آن‌هم بدون اینکه حتی زحمت بازبینی صحنه‌ها را به خود بدهد، ولی به نظر می‌رسد کمک‌داور ویدئویی اختیار را از داور وسط گرفته و تصمیمات جایی دیگر در اتاقی گرفته می‌شود که اگر چه داوران باتجربه‌ای پشت سیستم‌هایش نشسته‌اند، اما نمی‌توانند تصمیمات قابل قبولی بگیرند، همانطور که پیام حیدری، داور اصلی VAR در

قرار بود کمک‌داور ویدئویی باری از دوش فوتبال ایران بردارد تا دیگر شاهد تصمیمات پرابهام و سؤال‌برانگیز نباشیم، اما در عین ناباوری آنچه امروز در فوتبال ایران تحت عنوان VAR مورد استفاده قرار می‌گیرد، نه فقط هیچ شباهتی به تکنولوژی که در دنیا استفاده می‌شود، ندارد که خود تبدیل به یکی از معضلات بزرگ و پرابهام فوتبال ایران شده است، به طوری که شاید بتوان به جرئت گفت در حال حاضر تنها فدراسیون فوتبال است که از VAR سود می‌برد، چرا که هر باشگاهی که دیدارش با کمک‌داور ویدئویی برگزار می‌شود باید حدود ۴۰۰ میلیون تومان بابت اجاره این سیستم بپردازد! سیستمی که بسیاری هنوز بر این باورند که VAR که ویدئوچک است، اما نه فقط حتی در حد همان ویدئوچک هم نتوانسته کمکی به فوتبال کند و باری از دوش آن بردارد که اختیارات داور وسط را هم کاملاً گرفته است، موضوعی که در بازی‌های اخیر کاملاً مشهود بود و صدای همه را درآورد!

بسیاری از کارشناسان در همان روزهای نخست تأکید کردند نباید تصور شود که قرار است VAR کار داور را انجام دهد و فقط می‌تواند کمکی باشد برای او که بتواند در صحنه‌های پرابهام و پرحرف و حدیث به درستی تصمیم‌گیری کند. حال آنکه موافقان استفاده از کمک‌داور ویدئویی بر این باور بودند همین که سیستم وارد شده و مورد استفاده قرار گرفته تا از اشتباهات بزرگ جلوگیری کند، اتفاق مثبتی است و می‌توان با رفع اشکالات به صورت حرفه‌ای‌تری از آن استفاده کرد و باگ‌های آن نیز رفته‌رفته حل خواهد شد. اما باگ‌های آنچه امروز تحت عنوان کمک‌داور ویدئویی در فوتبال ایران استفاده می‌شود،